بسم ربّنا الأقدس الأعظم العلیّ الأبهی

حمد مقدّس عمّا یخطر بالبال بساط امنع اقدس حضرت غنیّ متعالی را لایق و سزاست که بکلمهٴ اولی که از مطلع فم اراده اشراق نمود عالم امر و خلق پدیدار شد و بآنکلمه ظاهر شد آنچه ظاهر شد هر چه تصوّر شود از قیامت و ساعة و شرایط آن دو از او ظاهر سبحان‌اللّه تفصیل اکبر از او باهر نار و نور علوّ و دنوّ سعادت و شقاوت هدایت و ضلالت کفر و ایمان از ظهور او در امکان پدیدار جلّت عظمته و تعالت قدرته و احاط سلطانه اوست مقتدریکه نعیق ناعقین و الحاد ملحدین و ضوضاء مشرکین و اعراض علما و سطوت امرا او را از اراده‌اش بازنداشت

 سبحانک یا اله الأسمآء و فاطر الأرض و السّمآء اسألک بأن تقدّر لأولیائک خیر الآخرة و الأولی ای ربّ هذا یومک قد ماج فیه بحر عنایتک و هاج عرف فضلک و ارتفعت سمآء جودک و اشرقت شمس عطائک اسألک بأن لا تطرد المقبلین عن بابک و لا تمنعهم عن فیوضات ایّامک و امطار سمآء رحمتک انت الّذی بحرف من اسمک المکنون فتحت ابواب اسرار کتبک و زبرک و بحرف اخری ظهر سبیلک و دلیلک و صراطک ای ربّ خذ ایادی اولیائک بأیادی قدرتک و اقتدارک انّک انت المختار و مولی الأخیار لا اله الّا انت العزیز الجبّار

 و بعد چندی قبل این خادم فانی مکتوب مفصّلی بآنمحبوب روحانی ارسال داشت که حاوی الواح و آیات و اوراق بود چون جواب تأخیر افتاد لذا مجدّد عرضی نشد تا در این یوم که دویم شهر ذی‌قعدة الحرام است مکتوب آنجناب که بحضرت افنان علیه بهآء اللّه الأبهی نوشته بودند ارسال باین ارض نمودند و در آنمکتوب بشارت رسید مکتوب مذکور رسید الحمد للّه خبر صحّت و سلامتی و خوشی و خوش‌وقتی و رسید نامه و پیام در یک آن قلب و جان را بطراز سرور و فرح مزیّن نمود از حقّ تعالی شأنه سائل لازال این پروانه‌ها را قوّت عطا فرماید تا در کلّ حین طائر باشند و در مدن و دیار سائر بعد از قرائت و اطّلاع بر آن بعرض اینمکتوب پرداخت اگر از امورات این ارض بخواهید الحمد للّه کما فی السّابق جمیع بذکر و ثنا و حمد حقّ جلّ جلاله مشغولند و حضرات افنان علیهم بهآء اللّه الأبهی مدّتی در این ارض در ظلّ سدرهٴ مبارکهٴ قدمیّه ساکن در هر آن بعنایتی فائز و بنعمتهای بیان محبوب امکان مرزوق و بعد از وفای بوعد حسب الأمر به بیروت مراجعت فرمودند جای همه خالی بود و نبود چه که مخصوص در هر مجلس ذکر حضرات افنان و سایر دوستان در ساحت اقدس بوده فی‌الحقیقه اینست رستگاری ابدی و فوز سرمدی الحمد للّه الّذی وفی بوعده و اظهر ما کان مرقوماً من قلم الوحی فی کتاب ما اطّلع به الّا ربّنا العلیم الخبیر در این حین امر مبرم از سماء حکم مالک قدم نازل قوله جلّ جلاله و عمّ نواله و عظم شأنه

 یا امین علیک بهائی در جمیع احوال باعزاز امر ناظر باش قلم اعلی در بارهٴ شما شهادت داده و میدهد و زحمتها و خدمتهای شما را خالصاً لوجهه ذکر فرموده ذکریکه بمثابهٴ آفتاب در کتاب مشرق و لائح است ان اشکر ربّک بهذا الفضل العظیم ولکن وصیّت مینمائیم ترا که بافق عزّت ناظر باشی احبّای الهی را باید بکمال روح و ریحان ناظراً الی الکلمة بقوله تعالی ذکّر فانّ الذّکری تنفع المؤمنین متذکّر نمود هر نفسی بروح و ریحان مؤیّد بر اعمال شد او از مخلصین در کتاب مبین مرقوم والّا نباید ابداً باو تعرّض نمود امروز حقّ جلّ جلاله بقلوب و لآلی مکنونهٴ در او ناظر است اینست شأن حقّ و اولیای او جلّ جلاله باید در بارهٴ احبّا و دوستان مسئلت نمائید تا حقّ کل را بر عمل بما فی الکتاب مؤیّد نماید و اوهامات و شئونات دنیا ایشانرا منع ننماید یا اباالحسن علیک بهائی بعزّت امر ناظر باش و به ما تنجذب به الأفئدة و العقول تکلّم نما مطالبهٴ حقوق ابداً جایز نبوده و نیست این حکم در کتاب الهی نازل لأجل بعض امور لازمه که من لدی الحقّ باسباب مقدّر شده اگر نفسی بکمال رضا و خوشوقتی بلکه باصرار بخواهد باین فیض فائز شود قبول نمایند والّا فلا انتهی در این امر جهد بلیغ نمائید که بآنچه نازل شده عمل شود

 الواح ارض خاء را بفرستید بسیار طول کشید از آنجا جناب حاجی احمد علیه بهآء اللّه بکرّات عجز و التماس نموده‌اند که الواحیکه خواسته‌اند ارسال شود نسأل اللّه ربّنا تبارک و تعالی بأن یوفّق جنابکم علی خدمته کما وفّقکم من قبل الحمد للّه در هر محفل و مجلس در این سجن مبارک مذکورند لسان عظمت مکرّر نزد مهاجرین و مجاورین و مسافرین ذکر شما را فرموده انّه هو الفضّال الکریم و مقصود من فی السّموات و الأرضین این ایّام جواب مراسلات ارض یاء حسب الأمر ارسال میشود از حقّ تعالی شأنه سائل و آمل بصر و سمع عنایت فرماید تا کل ندا را بشنوند و افق امر را ببصر خود مشاهده نمایند در هر ارض تشریف دارند اولیا و دوستان آن ارض را از قبل فانی تکبیر و سلام برسانند از حقّ جلّ جلاله سائل و آمل که هر یک از حزب خود را کوه فرماید نه کاه عواصف و قواصف مشرکین قادر بر حرکت اوّل نبوده و نیست بحول اللّه و قوّته ولکن ثانی از هر ریحی حرکت نماید و بهر جهتی میل کند از حقّ میطلبم کاه را هم بمثل کوه قوّت عطا فرماید و عظمت بخشد اوست بر هر شیء قادر و توانا البهآء و الذّکر و الثّنآء علی جنابکم و علی من معکم و یحبّکم لوجه اللّه ربّ العالمین و الحمد له اذ هو مقصود العارفین

خ‌ادم

فی ۲ ذی‌قعدة سنة ۱۳۰۲

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۸ نوامبر ۲۰۲۲، ساعت ۱۰:۳۰ قبل از ظهر